

نیایش در قرن بیستم

انسان، در جستجوی تازه‌ترین و مؤثرترین روش نیایش!

دسته سومی که درست بمفهوم عبادت، پی نبرده و هنوز نفهمیده اند که واقعا معنی و حقیقت آن چیست؟ می گویند: « ما نمیدانیم که آیا واقعا عبادت می‌کنیم یا نه؟! آیا عبادت و نیایش چه معنی و مفهومی دارد؟» در عین حال و با همه قصوری که انسان متمدن این عصر، از لحاظ نیایش و پرستش از خود نشان می‌دهد و همه اشکال تراشی‌ها و شبهه‌هایی که نسبت به آن اظهار می‌دارد، در این حقیقت نباید تردید کرد که: در هیچ دورانی، هیچ نسلی، به اندازه نسل کنونی، به آنچه که انسانهای گذشته، از رهگذر نیایش تحصیل می‌کردند، نیازمند نبوده است. اضطراب‌ها و نگرانیهای بشر امروز، از هر لحاظ دامنه دار تر و غیر قابل علاج‌تر و سخت‌تر از ترسها و دلهره‌های بشر قدیم است. پس چرا برخی تصور میکنند که نیایش و پرستش، کاری مشکل یابی اثر است و شانه از زیر آن خالی میکنند؟! گاهی گفته می‌شود « علت این است

تا آنجا که ما اطلاع داریم و تاریخ، با ثبت حوادث و وقایع ادوار پیش، راه تحقیق و مطالعه را بروی ما باز گذارده است، نیایش و توسل بخدا، یگانه وسیله‌ای بوده است که انسان در موقع اضطراب و نگرانی و لحظاتی که میخواسته است بهترین و عمیق‌ترین حالات روحی و معنوی خود را ابراز کند، بدان روی می‌آورده است.

ظاهراً، امروز نیایش در نظر بعضی رونق خود را از دست داده و حتی بعضی از پیروان ادیان و طرفداران مذاهب، توجهی کمتر، نسبت بآن ابراز میدارند، برخی از افراد، درحالی که خود اهل عبادت و نیایش هستند، با شک و تردید اظهار میدارند که: « ما با اینکه عبادت می‌کنیم ولی معلوم نیست چندان فایده‌ای بحال ما داشته باشد! ».

دسته‌ای دیگر که هنوز آن ذات بی‌همتایی را که پرستش میکنند، درست نشناخته و بعظمت و جبروتش پی نبرده‌اند، اظهار میدارند: « شاید خداوند، در يك خلا بی‌پایان، بسر می‌برد ».

آورد « (۱)

به عقیده حکمای الهی، منشأ اصلی همه اشکالات، این است که: ماطریقه صحیح عبادت و نیایش را نشناخته ایم، در حقیقت این عبادت و نیایش نیست که کهنه شده، بلکه روشی که ما برای انجام و برگزاری مراسم نیایش و پرستش بکار می‌بریم، ارزش خود را از دست داده است.

نیایش‌های ما فاقد توجه و اخلاص است.

در دنیائی که به سرعت، رو به تغییر می‌رود و همه چیز دستخوش تحول و دگرگونی میشود، ما می‌خواهیم خداوند را عبادت کنیم، یا در برابر عظمت او آن چنان سر فرود آوریم که در دوران بچگی انجام داده ایم، عبادت‌های روزانه‌ما و همچنین

۱- مطالبی که بصورت اشکالاتی لاینحل، در نظر مخالفان نیایش، ظاهر شده است، شاید در تعلیمات مسیحیت، همانظوری باشد که ایشان گفته‌اند، در خصوص اینکه انسان پراگماتیست بهمنوعان خود رجوع می‌کند تا رفع گرفتاریش را بنمایند، باید توجه کرد که نه همیشه گرفتاریها به صورتی است که از دست دیگری بر آید که آن را برطرف کند (مثل بیماریهایی که قابل درمان نیست) و نه همیشه آنها این چنین مردم مهربان و فداکاری هستند که چاره مشکلات انسان را بنمایند. اما اینکه نمی‌توان از لحاظ تاریخی منشأی برای پیدایش ایمان بدست آورد، خود بهترین گواه این است که: ایمان ریشه فطری دارد و انسان مادامی که فطرتش آلوده نشده‌باشد، بطور طبیعی بسوی آفریدگار خود روی می‌آورد.

که انسان معاصر، پیرو فلسفه «پراگماتیسم» (۱) است و اگر نیازی بکمک و حمایت داشته باشد، لازم نیست که دست نیاز، بدرگاه خداوند دراز کند و با تضرع و استغاثه، از او درخواست کمک و دستگیری نماید، بلکه به انسان هائی چون خودش رجوع می‌کند و از آنها درخواست کمک و حمایت می‌نماید، چه آنها هستند که می‌توانند اسباب آسایش و دلخوشی او را فراهم و از سختی‌ها و گرفتاریها رهایش ساخته، خواسته‌ها و آرمانهایش را جامه عمل بپوشند.

«علاوه براین، خود مسأله ایمان نیز از لحاظ تاریخی بدوره‌ها و قرونی بسی تاریک می‌رسد که کار تحقیق در باره منشأ پیدایش آن را دشوار می‌سازد. در عصر ما مسائلی که از نظر گذشتگان قطعی و یقینی بوده، در معرض شك و تردید قرار گرفته و قطعیت خود را از دست داده‌اند.

اینقدر که ما آثار قدرت خدا را در صحراها و جنگل‌ها می‌نگریم، در مراکز تمدن و شهرهای عظیم و کاخهای آسمانخراش نمی‌نگریم، این از جمله مسائلی است که از قلمرو فکر و اندیشه ما خارج است و باید بکمک روانشناسی بحل آنها پرداخت و جواب‌های دقیق و قانع‌کننده برای آنها بدست

۱- Pragmatisme یعنی پیروی از

مکتب اصالت عمل (و بتعبیر صحیحتر: اصالت صلاح عمل)، برای اطلاع بیشتر رجوع شود بکتاب‌مبانی فلسفه، تألیف دکتر سیاسی.

عبادهت‌های روز‌های یکشنبه مسیحیها بدون توجه و بصورت تشریفاتی خشک و ظاهری انجام می‌گیرد و فقط گاهی بطور خصوصی و استثنایی ممکن است حرکتی باطنی و معنوی باشد ولی اغلب اوقات، با بی‌تفاوتی و عدم توجه و بی‌مبالاتی صورت می‌گیرد. یکی از جوانان می‌گفت: «عبادهت‌های ما الفاظی است توخالی. ما در موقع عبادت، هیچگونه توجهی در قلب خود با آنچه می‌گوییم نداریم و سراسر گفتار ما دروغ است و ظاهر سازی» نیایش و بطور کلی هر عبادتی باید از حالت و وضع درونی شخص، آغاز شود و با شرایط و اوضاع و احوال زندگی او مناسب باشد «کانون دو کلاس» می‌نویسد: «هنوز بشر، در قرن بیستم در جستجوی خداوند است. انسان برای شناسائی خداوند و برقراری روابط بندگی میان خود و او به راه‌هایی

۱- این طرز تفکرها و ایرادها دلیل بسیار روشنی است بر این که: مسیحیت، با همه تشریفات و آداب و رسوم که در کلیساها رواج دارد، نتوانسته است روح تشنه‌نسل جوان اروپا را سیراب گرداند، از همین جهت است که برخی از دانشمندان و متفکران مذهبی آنها پیشنهاد می‌کنند که باید روش نیایش تغییر کند، زیرا عبادتها و نیایشهای معمولی قدیمی است و برای اجداد قرون وسطایی و احیانا شبانان، بر فراز تپه‌های فلسطین و کشاورزان قدیمی خوب بوده است و به درد بشری که ما را تسخیر کرده و از لحاظ علم و صنعت و تمدن، باوج قدرت رسیده است، نمیخورد. پیشنهاد تجدید نظر و ایجاد رفورم، در عبادت، ناشی از کمبودی است که «آئین

مسیحیت» دارد، و بهمین جهت است که نتوانسته خواسته‌ها و تمنیات طبیعی جوانان و همچنین طبقات دیگر را برآورده سازد. در حقیقت نیایشهای مذهبی باید همچون نسیمی باشد که آتشی را که در زیر خاکستر باطن، نهان است شعله ور سازد، نیایشگر، «سینه‌ای آتش افروز» و «دلی پر سوز» می‌خواهد، بسا افرادی هستند که نمی‌توانند هرچه در دل یا وجدان ناخودآگاه خویش دارند، آشکار سازند اینجاست که دعاهائی که رهبران دینی پیشنهاد کرده‌اند، برای این افراد کمک مؤثری است. دعا‌های صحیفه سجادیه، از این لحاظ یکی از ذخیره‌ها و گنجهای گرانبهای اسلامی است که متأسفانه اروپای متمدن و تشنه کام، از چنین سرچشمه زلالی محروم است.

صغیره خود را مورد اعتراف قرار می دهیم ، اما گناهان کبیره خود را بدست فراموشی می سپاریم .

در نیایش های دسته جمعی ، طوطی وار بگفتن يك « الهی آمینی » اکتفا می کنیم و به آثار عملی و معنوی نیایش توجهی نداریم . راستی چقدر آسان است که انسان در وقت نیایش ، بطور مبهم و سر بسته بگوید :

« بارانها » مرا بخاطر گناهان زشت و نا پسندم بپارم و از تقصیرات ناشایسته ام در گذر « و چقدر دشوار است که با کمال صراحت ، انگشت ، روی خطا های آشکار و تازه خود بگذارد و بگوید : « پروردگارا از تقصیر من در گذر ، زیرا امروز بخاطر منافع مادی خود فلان شخص را فریب دادم و مغبون ساختم » ؟!

یکی از متفکران مذهبی معاصر ، میگوید : « نیایش صحیح باید گزارشی دقیق و واقعی از اعمال انسان باشد - گزارشی که همه نابخردیها و سر پیچیها و احساسات مانسبت بذات خداوند ، حتی آن دسته از احساساتی که از شهوت ، سر پیچی یا عدم اعتقاد ، ناشی میشود ، در آن گنجانیده شده باشد » .

سپس اضافه می کند « مردان خدا و اولیای حق ، خدا را این چنین می خواندند . آنان با راز و نیاز های عاشقانه و صریح خود ذخیره گرانبهائی از ادبیات عرفانی بیادگار گذاشتند . ایوب ، از شدت درد و رنج بخود می پیچید و در پیشگاه خداوند ، زمزمه هائی داشت که هم حاکی از عشق او و هم طینینی از خشم و غضب و اعتراض او نسبت بخداوند

خدمتگزار مردم باشد و آنکه خدمتی برای مردم انجام می دهد ، باید متوجه باشد که این کار خود نوعی عبادت است و هیچکدام از یکدیگر جدا نیستند .

دوشیزه جوانی که سابقا معتقد بود که انسان نمی تواند نسبت بخداوند و آخرت ، معرفتی بدست آورد ، اظهار داشت که نسبت بمذهب عقیدم ای تازه پیدا کرده و از انتقاد و اعتراض ، نسبت بمسائل مذهبی دست کشیده است ، او میگفت : « عقیده من این است که رفتار ما باید عبادت باشد . ما همانطوری که برای پرستش خداوند کوشش میکنیم ، باید برای خدمت ب دیگران نیز کوشا باشیم » ممکن است حکمای الهی نیز با این مطلب موافق باشند . « را بی ابراهام هسچل » میگفت : « وقتی با مارتین لوتر کینگ قدم می زدم ، احساس می کردم که پا هایم بعبادت خداوند مشغولند !

ثانیا : در اندیشه انسان معاصر ، نه تنها نیایش باید با اوضاع و احوال نیایش کننده منطبق و با اعمال و عقاید و افکار او هماهنگ باشد ، بلکه باید با احترام و خضوع و خشوع ، در برابر خداوند بزرگ ، بمرحله اجرا در آید ، علت اینکه غالبا نیایش ها درست و کامل به نظر نمی آیند این است که واقعا هم درست و کامل نیستند . آیا آنچه را که در اعماق قلبمان در باره خودمان معتقدیم ، با آنچه که در برابر خداوند ، بقلقه زبان زمزمه می کنیم وفق میدهد ؟!

بسیاری از ما برای خطا ها و انحرافات دیگران دعا می کنیم ، در حالی که نظیر آن انحرافات و خطا ها در خودمان وجود دارد و آنها را نادیده می گیریم ، برخی از گناهان

آری نیایش باید وسیله‌ای برای تخلیه و تصفیه قلب و توأم با صراحت لهجه و خلوص باشد. انسان از این رهگذر، خود را بهتر می‌شناسد و بدرمان بسیاری از امراض و آلودگیهای باطنی توفیق حاصل می‌کند.

بود (۱) « فلان » که در قرن هفدهم در فرانسه، مقام سراسقفی داشت میگوید: « اگر خداوند از شما سلب آسایش کرده است، هنگام نیایش، سرگذشت خود را برای او شرح دهید و از او بخواهید تا شما را آسوده سازد... »

می‌نویسد: « آیا از برای تو سزااست که ظلم نمایی و عمل دستهای خود را تحقیر کنی و بر مشاوره شیران روشنایی دهی! باز هم تأسف ما بحال اروپائیان بیشتر می‌شود زیرا بر اثر دوری از اسلام و قرآن، کارشان بجایی می‌کشد که پیغمبری بزرگوار چون ایوب را متهم سازند که بخداوند نسبت بی‌عدالتی بدهد و چنین گستاخانه سخن گوید. وانگهی چگونه ممکن است که انسان خدای ظالم و بی‌انصاف و روشنایی بخش «مشاوره شیران» را پرستش کند!؟

۱- در اینجا نگارنده، کاملاً تحت تأثیر تورات، قرار گرفته است، بررسی نیایش‌ها و راز و نیازهای پرسوز و گداز عاشقان بیدل و شیفتگان خداوند، احتیاج به دیدی وسیعتر و اطلاعاتی جامعتر دارد کسی که فقط مسأله را از دیدگاه تورات و انجیل بررسی می‌کند، بیشتر و بهتر از این نمیتواند قضاوت کند، برای اطلاع بیشتر در باره اینکه نویسنده مقاله کاملاً تحت تأثیر تورات قرار گرفته است، بتورات، کتاب ایوب مراجعه نمایید. در فصل دهم آیه ۳ از کتاب ایوب

عجایب بدن انسان

یک انسان معمولی که ۷۰ کیلوگرم وزن داشته باشد مغزش در حدود ۱۳۷۵ گرم و قلبش ۳۰۰ گرم و کبدش ۱۶۰۰ گرم و کلیه هایش ۱۶۰ گرم وزن خواهد داشت.

انسان در شبانه روز معادل ۶۰۰ تا ۹۰۰ گرم عرق میکند.

گرم ترین نقطه بدن جگر است که ۳۹٫۵ درجه حرارت دارد، و سرد ترین نقطه بدن کف پا است که درجه حرارت آن، سه درجه می‌باشد.

تلفات گلبول‌ها بطور متوسط در هر دقیقه ۱۸۰ میلیون گلبول قرمز

است.